

مطالعات تاریخی جنگ؛ فصلنامه علمی- پژوهشی
دوره سوم، شماره اول (پیاپی ۷)، بهار ۱۳۹۸، صص ۹۱-۱۱۲

انعکاس مضامین تاریخی - اجتماعی در رمان «وقت جنگ دوتارت را کوک کن»

محمود رنجبر؛ * مهیار حجرین **

چکیده

رمان «وقت جنگ دوتارت را کوک کن» نوشته یوسف قوجق (۱۳۹۴)، رمانی اقلیمی، تاریخی است که توسعه‌طلبی‌های روسیه تزاری در بیابان‌های شرقی دریای خزر را در روایتی ادبی بازگو می‌کند. این رمان نخستین اثر ادبی است که با رویکرد رئالیسم اجتماعی، حقایق تاریخی، سیاسی و اجتماعی از نسل‌کشی مشهور به منطقه گوک‌تپه را بیان می‌کند.

در این پژوهش به شیوه تحلیل محتوا با رویکرد توصیفی تفسیری، انعکاس رویدادی تاریخی در این اثر ادبی بررسی شده است. نقطه عزیمت پژوهش بر دو پرسش قرار گرفته که آیا نویسنده توانسته با پرهیز از احساسات صرف، واقع‌های تاریخی را انعکاس دهد؟ همچنین میزان ارجاعات تاریخی این رمان تا چه اندازه با اسناد تاریخی مطابقت دارد؟ تحلیل یافته‌ها نشان می‌دهد، نویسنده با انعکاس دقیق زمینه‌های حمله قشون روسیه تزاری طی سه نبرد با مردم ترکمن صحرا در سال‌های ۱۸۷۳، ۱۸۷۸ و ۱۸۸۱ میلادی، روایتی ادبی منطبق با اسناد تاریخی از چگونگی واقعه گوک‌تپه و مرگ قریب به پانزده هزار نفر در میان سکوت دولت قاجار و سرانجام انعقاد قرارداد آخال برای واگذاری بخشی از سرزمین ایران به روسیه تزاری را پدید آورده است.

* نویسنده مسئول: استادیار دانشگاه گیلان mamranjbar@gmail.com

** دانشجوی کارشناسی ادبیات mahyar_hajarein@yahoo.com

| تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۶/۲۱ |

واژه‌های کلیدی: قاجار، ترکمن، روسیه تزاری، رمان تاریخی، وقت جنگ
دوتارت را کوک کن، قوجق.

۱. مقدمه

در سال‌های ۱۲۷۷ تا ۱۲۹۰ ه. ق همزمان با دوره ناصرالدین‌شاه (۱۲۶۴-۱۳۱۳ ه. ق)، قشون روسیه تزاری بعد از فتح قفقاز و آذربایجان، تمرکز بیشتری برای گسترش مرزهای سرزمینی خود در نواحی شرقی دریای خزر معطوف داشتند. دربار قاجار به دلیل بی‌تدبیری و اغتشاش حاصل از رقابت بر سر قدرت دچار تزلزل بیشتری شده بود. از سوی دیگر، روس‌ها پس از شکست ناپلئون و امپراتوری فرانسه در تاریخ ۱۹۱۲ م، به عنوان قدرت نوظهور شناخته می‌شدند. اهداف آن‌ها در گسترش دایره تصرفات خود برای رسیدن به منابع جدید اقتصادی بوده است. از این‌رو، سیاست این کشور درباره شرق دریای خزر، شکل جدیدی گرفت و برای براندازی خانات این منطقه مصمم شدند (شیرازی، ۱۳۷۰: ۱۱۱). علاوه بر موارد برشمرده، مهم‌ترین دلایل روس‌ها برای تسلط بر نواحی شرق دریای خزر عبارتند از: ۱- قرارگرفتن در مرزهای مشترک متصرفات انگلیس و تماس مستقیم با آنان؛ ۲- دستیابی بر تمامی مرزهای شمالی ایران؛ ۳- احاطه بر مسیرهای تجاری که از ایران، هند و افغانستان گذر می‌کرد؛ ۴- یکپارچه‌سازی تمامی مناطق شرقی دریای مازندران (خزر)؛ ۵- رها کردن گروه‌های پراکنده ترکمن در حاشیه مناطقی که عملاً ضمیمه قلمرو روس شده بود، به شدت ثبات آن‌ها را تهدید می‌کرد (ر. ک. متولی، ۱۳۸۹: ۱۴۱؛ پاشینو، ۱۳۷۲: ۲۰). روس‌ها تا سال ۱۲۷۲ ه. ق (۱۸۵۵ م) با اعزام جاسوسان متعدد برای زمینه‌چینی و پذیرش اتحاد با خانات شرق دریای خزر به منظور مبادلات تجاری، توانستند بر بخش وسیعی از «تاشکند»، «خیوه»، «خوقند»، «بخارا»، «قزل‌سو» تسلط یابند. در پاره‌ای موارد به دنبال مقاومت خانات برای وادار کردن ترکمن‌ها به واکنش تند، ناامنی بازرگانانی را که از منطقه مانقیشلاق عبور می‌کردند، بهانه قرارداداند تا بهانه‌ای برای تسلط بر سایر مناطق ترکمن‌نشین باشد (پیری، عسکرانی، ۱۳۹۴: ۶۸). آنان علی‌رغم اعتراض رقیب دیرینه خود انگلیس و اعتراضات دولت قاجار طبق معمول تضمین‌هایی در این باره دادند (ترنزیو، ۱۳۶۳: ۱۰۰). روس‌ها برای آن‌که توجه انگلستان را به اقدامات خویش جلب نکنند، درپوشش تجارت در استرآباد و آسیای مرکزی به فعالیت می‌پرداختند. آنان قصد داشتند با قرار

دادن ایران به عنوان حائل بین خود و انگلیس راه نفوذ آنان به شرق دریای خزر را ببندند (پیری، عسکرانی، ۱۳۹۴: ۶۱). دستیابی روس‌ها به مناطق مختلف همیشه به آسانی صورت نمی‌گرفت. آنان در برخی مناطق با مقاومت سرسختانه خانات محلی مواجه می‌شدند. یکی از این مناطق «آخال» بود که بخش اعظم ساکنان آن را طایفه «تگه» تشکیل داده بودند. روس‌ها پس از تسلط بر روستای قزل آروات در سال ۱۲۹۳ ه. ق (۱۸۷۶ م) تلاش کردند تا به ترکمانان تگه و حکومت قاجار نشان دهند ادعای حاکمیت ایران بر این مناطق را نمی‌پذیرند (کاظم‌زاده، ۱۳۷۱: ۳۶). آن‌ها برای تسخیر منطقه آخال طی سه نبرد منجر به شکست، متحمل تلفات فراوان شدند. روس‌ها در یکی از آخرین نبردها به فرماندهی لوماکین (lumakyn) برای تصرف گوک‌تپه - بزرگ‌ترین قلعه ترکمن‌ها با جمعیتی بالغ بر پنجاه هزار نفر - تا گشایش دروازه‌های قلعه پیش می‌روند، اما ترکمن‌ها آنان را وادار به عقب‌نشینی می‌کنند. در سال ۱۲۹۷ ه. ق (۱۸۷۹ م) «میخائیل اسکوبلف» (Mikhail Skobelev) (۱۸۴۳-۱۸۸۲ م)، فرمانده سرسخت روس‌ها، مأمور می‌شود مقاومت مدافعان این قلعه را در هم بشکند. قوای روس در نخستین حمله خود در نزدیکی دیواره‌های قلعه زمین‌گیر می‌شوند. اسکوبلف در اقدامی ابتکاری دستور می‌دهد تا با حفر تونلی در زیر دیوار بلند قلعه، دو تن مواد منفجره کار بگذارند. پس از انفجار و مرگ «چند صد نفر از مدافعان» قوای روس وارد قلعه می‌شوند. اسکوبلف به بهانه شکست‌های پیشین قوای روس دستور می‌دهد بیست هزار نفر از مردم ترکمن را قتل عام نمایند (ر.ک. هاپکرک، ۱۳۷۹: ۲۴۱؛ متولی، ۱۳۸۹: ۱۴۶). بر اساس برخی منابع، در جنگ گوک‌تپه از بین افراد ساکن در قلعه حدود پانزده هزار زن و کودک و جنگاور کشته شدند. «۶۵۰۰ جسد درون قلعه و ۸۰۰۰ نفر از زنان و کودک در حال فرار کشته شدند» (کرزن، ۱۳۴۹: ۷۰۳).

بازتاب این واقعه در موسیقی و دیگر آثار هنری و ادبی ترکمن نمود داشته است. «مسکین قلیچ» شاعر ترکمن (۱۳۲۵ - ۱۲۶۸ ق) در مرثیه‌ای با عنوان «بلالاردان» از واقعه تلخ گوک‌تپه یاد می‌کند. در دوره‌های اخیر با گسترش مجدد رئالیسم و رئالیسم انتقادی مارکسیستی، به ویژه در رمان‌ها نگرش تازه‌ای به وقایع تاریخی پدید آمد. رئالیسم انتقادی در رمان‌های تاریخی به نوسازی شخصیت، بیان سلسله حوادث، روح یا حال و هوای یکی از اعصار گذشته می‌پردازد (ر.ک. مقدادی، ۱۳۹۳: ۴۹۹). این رمان‌ها از نظر شیوه ارائه محتوا به دو گروه تقسیم می‌شوند. نخست رمان‌های تاریخ-

مدار یا رمان‌های واقع‌گرای علمی که مبتنی بر نقل وقایع هستند و دیگری رمان‌های شخصیت یا رمانس‌ها که از تاریخ به عنوان زمینه‌ای برای حوادث مهیج و یا ماجراهای عاشقانه استفاده می‌کنند (ر.ک. سلیمانی، ۱۳۶۶: ۳۳-۳۵). در چنین شرایطی نویسندگان با فراهم شدن فضایی تعاملی و اکتشافی به دنبال نقاط مغفول تاریخی هستند. البته نباید از نظر دور داشت که گاهی واقع‌گرایی ماهیت ساختاری واقعیت را نادیده گرفته و آن را پدیده‌ای واقعاً مسلم فرض می‌کند. پدیده‌ای حتمی‌الوقوع و واجب‌الوجود نه پدیده‌ای محصول تضادهای تاریخی و تضادهای طبقاتی» (تالیس، ۱۳۷۵: ۲۶۳). همین عامل موجب می‌شود تا نویسنده از واقعیت به احساسات صرف پرتاب شود. با آگاهی از این دامچالۀ رویکردی باید اذعان داشت که برخی فضای تعاملی و اکتشافی رمان‌های تاریخی را از مظاهر «بیداری روشنفکران» می‌دانند. به گونه‌ای که نویسندگان با تلاش برای راهیابی به درون روستاها و مناطق مهجور به دنبال اکتشاف محیط بومی، شکل دادن به نوعی هویت ملی هستند که تا پیش از آن، حاکمیت وابسته آن را از مردم سلب کرده بود (ر.ک. عابدینی، ۱۳۶۸: ۱۵/۲). رمان «وقت جنگ دوتارت را کوک کن» نوشته یوسف قوجق (۱۳۹۴) از جمله رمان‌های تاریخی است که روایتی اجتماعی سیاسی و فرهنگی از رویدادی مغفول در دوره قاجار (۱۲۱۰-۱۳۴۳ق) را بیان می‌کند.

۱-۱. بیان مسأله و ضرورت تحقیق

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های رئالیسم اجتماعی تاریخی، مطالعه جامعه برای نشان دادن اسناد حقیقی تاریخ زندگی بشر است. بالزاکانوره دو بالزاک (۱۷۹۹-۱۸۵۰م) با طرح مناسبات بین تاریخ و رمان می‌گوید: «رمان تاریخ را کامل می‌کند؛ زیرا تاریخ فقط وقایع سیاسی را نمایش می‌دهد، در صورتی که رمان، تاریخ اخلاق را که پایه و بنیان نفس زندگانی اجتماع است، نشان می‌دهد» (سیاح، ۱۳۳۷: ۳۹۱). رمان «وقت جنگ» نخستین رمانی است که با رویکرد رئالیسم اجتماعی حقایق تاریخی، سیاسی و اخلاقی از جنگ مشهور به گوک‌تپه و به زعم نویسنده کینه‌ورزی ناصرالدین شاه نسبت به ترکمن‌ها را بیان می‌کند.

در این پژوهش، به شیوۀ تحلیل محتوا با رویکرد توصیفی تفسیری انعکاس رویدادی تاریخی در اثری ادبی بررسی شده است. نقطه عزیمت پژوهش بر دو پرسش قرار گرفته که آیا نویسنده توانسته با پرهیز از احساسات صرف، واقعه‌ای تاریخی را

انعکاس دهد؟ همچنین میزان ارجاعات تاریخی این رمان تا چه اندازه با اسناد تاریخی مطابقت دارد؟

با طرح پیرنگ این اثر و پیچیدگی‌های روایت تاریخی و سیاسی آن به نظر می‌رسد نویسنده توانسته ضمن وفاداری به داده‌های تاریخی، تناسبی بین وجوه سیاسی، اجتماعی و تاریخی با متن ادبی پدید آورد. در این پژوهش زمینه‌های به وجود آمدن واقعه گوک تپه و محتوای تاریخی، سیاسی و اجتماعی رمان برای روشن شدن بخشی از تاریخ مغفول دوره قاجار بررسی شده است.

۲-۱ پیشینه پژوهش

در باره وقایع گوک تپه چند اثر پژوهشی و تعدادی کتاب به شرح ماجرا از منظر سیاسی، تاریخی پرداخته‌اند: سایکس (۱۳۸۰) در *تاریخ ایران* گزارشی از توانمندی‌های قوای روسی در جنگ گوک تپه را ارائه کرده است. امین گلی (۱۳۶۶) در کتاب *سیری در تاریخ سیاسی اجتماعی ترکمن‌ها*، به علل پیدایی و جزئیات حادثه بر اساس منابع تاریخی اشاره داشته است. متولی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای به بررسی ساختار دفاعی ترکمن‌ها در برابر هجوم روس‌ها پرداخته است. سرافرازی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای به بررسی روابط ترکمن‌ها و قاجار اشاره می‌کند. زرگری‌نژاد و علوی (۱۳۸۸) به ویژگی‌های اجتماعی و یورش‌های متعدد ترکمن‌ها به نواحی مختلف و خرید و فروش برده و تأثیر آن در اقتصاد این قبایل اشاره داشته است. موسوی‌صفت (۱۳۹۲) نیز در پایان‌نامه خود روابط ایلات ترکمن با حکومت مرکزی قاجار از آغاز تا عصر ناصرالدین شاه را مورد بررسی قرار داده است. بر اساس جستجوی صورت گرفته، پژوهشی با هدف تحلیل مضامین تاریخی، سیاسی و اجتماعی رمان یاد شده منتشر نشده است و اثر حاضر نخستین پژوهشی است که به پایان رسیده است.

۲. بحث

۲-۱. نگاهی به رمان

رمان «وقت جنگ دوتارت را کوک کن» در سی و دو فصل و ۴۴۷ صفحه تدوین شده است. یوسف قوجق پیش از فصل نخست طی مقدمه اثر، گزارشی از روایت تاریخی رقابت انگلیس و روسیه در دوره قاجاریه به ویژه پس از عهدنامه ترکمانچای را ارائه

می‌دهد. نویسنده در مقدمه خود با استناد به برخی کتاب‌های تاریخی و انتشار تصاویری از مدال‌های فاتحان گوک‌تپه و نقاشی‌های سربازان روسی از این «فتح بزرگ»، پیش‌زمینه‌ای مناسب برای روایت ادبی این واقعه فراهم می‌کند. رمان با معرفی دو افسر روس آغاز می‌شود «یکی جوان و دیگری میان‌سال، هر دو یونیفورم به تن و کلاه به سر، سوار بر اسب و مهمیز به دست، تفنگ به دوش و شمشیر به کمر» (قوجق، ۱۳۹۴: ۱۳).

رمان از منظر دانای کل^۱ و گاه زاویه دید محدود قهرمان داستان (مردی به نام یاشولی بخشی) روایت می‌شود. بیست و پنج سال از فتح گوک‌تپه گذشته است. افسر میان‌سال روس از سال ۱۲۹۹ ه. ق بیست و پنج سال است که در این منطقه - که هم اکنون به خاک روسیه منضم شده - خدمت می‌کند. فرزندانش در همین ناحیه به دنیا آمده‌اند و با آداب و رسوم مردم ترکمن آشناست. او همانند یاشولی بخشی - قهرمان و راوی رمان - از جمله شاهدان قتل‌عام پانزده هزار نفر از ترکمن‌های صحرای آخال است. «تیموفی» افسر جوانی است که به تازگی سمت فرماندهی پادگان روس‌ها را عهده‌دار شده است. با نزدیک شدن آن‌ها به گوک‌تپه «ماکسیم» (فرمانده پیشین منطقه) به فرمانده جوان پیشنهاد می‌کند برای تبریک عروسی فرزند خوانده «یاشولی بخشی» به خانه آن‌ها بروند، تیموفی می‌پذیرد. با ورود تیموفی به خانه یاشولی بخشی، خاطره فرمانده سنگدل قوای تزاری در زمان واقعه گوک‌تپه به نام «اسکوبلف» برای یاشولی بخشی زنده می‌شود. «هر حرکت آن‌ها و هر کلمه از صحبت‌هایشان خاطرات سال‌های دور را در او زنده کرده‌اند» (همان، ۴۱۵).

می‌خوارگی تیموفی برای ابراز شادمانی در جشن عروسی، خوشایند یاشولی بخشی نیست؛ اما در برابر بی‌حرمتی این سرهنگ جوان روس از صبر سخن می‌گوید: «تو که ما ترکمن‌ها را می‌شناسی ماکسیم دده، خانه ترکمن همیشه امن و ایمن بوده، حتی برای کسی که پدرش را کشته، اجداد ما گفته‌اند که مهمان عزیز و بزرگه، حتی از پدر هم عزیز و بزرگ‌تره» (همان، ۴۱۳). با حضور این دو نظامی روس، یاشولی بخشی از طریق تداعی، شادی‌های جشن و نواختن دوتار به بیست و پنج سال قبل برمی‌گردد. در صفر ۱۲۹۸ ه. ق ژانویه ۱۸۸۱ م قوای تزاری با نیروی معادل ۶۵۰۰ سرباز و ۶۰ عراده

۱. ارجاعات به رمان در درون پرانتز و صرفاً به شماره صفحه نقل شده است.

توپ به گوک تپه رسیدند و توانستند مقاومت حدود ده هزار نفر از جنگاوران ترکمن را بشکنند. آن‌ها با حفر کانالی در زیر دیوارهایی به ارتفاع ۶ متر و ضخامت بین ۶۰ تا ۹۰ سانتی‌متر بیش از دو تن مواد منفجره قرار می‌دهند و با نفوذ به قلعه، کشتار مردم بی‌دفاع را از سر می‌گیرند. گوک تپه آخرین سنگر مقاومت ترکمن‌های تکه از ناحیه آخال در مقابل روس‌های تزاری بوده است. خرابه‌های این قلعه در کنار روستایی به همین نام در ۲۸ مایلی عشق‌آباد- پایتخت فعلی ترکمنستان- واقع است (همان، ۱۷).

۲-۲- مضامین تاریخی

ترکمن‌ها عمدتاً از قبیله «غز» (أغز) هستند. آن‌ها در زمان سلطان محمود غزنوی (۳۸۹-۴۲۱ ه.ق) وارد ایران شدند. در سال ۴۱۶ ه.ق سلطان محمود به چهار هزار خانوار ترکمن اجازه داد تا در «ورز رود»^۱ دشت خاوران زندگی کنند (سیدی، ۱۳۷۱: ۴۲). پس از غزنویان و روی کار آمدن سلجوقیان در سال ۴۲۵ ه.ق که خود به عنوان تیره‌ای از ترکمانان بودند، تغییری در رفاه نسبی آنان پدید نیامد و به دلیل مشکلات معیشتی به نواحی مرزی ایران یورش می‌آوردند. این شیوه زندگی آنان در دوره‌های بعد نیز ادامه یافت تا اینکه در دوره صفویه (۹۰۷-۱۱۴۸ ق) مسائل مذهبی نیز به آن افزوده شد. ترکمنان به دلیل ریشه نسبتاً مشترک قومی با قاجارها، در روی کار آمدن این دولت نقش مهمی ایفا کردند، اما مراوده قاجار با ترکمن‌ها بسیار طول نکشید (موسوی‌صفت، ۱۳۹۲: ۲). آغامحمدخان با این‌که در آغاز کار از وجود ترکمن‌ها برای تثبیت قدرت خود استفاده نمود، در نهایت نتوانست غارتگری‌های آنان را تحمل کند و درصدد سرکوبشان برآمد؛ لذا دیری نپایید که روابط ترکمن‌ها با قاجارها به خصومت گرایید (سرافرازی، ۱۳۸۹: ۱۲۱).

هشت سال پس از سلطنت فتحعلی‌شاه به علت وقوع انقلاب فرانسه (۱۷۹۹م) همچنین ظهور ناپلئون و پادشاهی الکساندر اول در روسیه (۱۰۸۱م) و تکمیل استعمار هندوستان به دست کمپانی هند شرقی انگلیس، اوضاع جهان به صورتی درآمد که ایران ناگهان در گردونه سیاست بین‌المللی قرار گرفت. در این دوره به دلیل بی‌خبری شاه و درباریان از اوضاع سیاسی خسارت‌های فراوانی بر کشور وارد آمد (سبحانی،

۱. ورز رود یا ورارود به ممالکی که آن طرف آمو دریا (ماوراء النهر) باشد، می‌گویند. وراز رود تصحیف آن است (لغت‌نامه دهخدا ذیل: ورارود).

۱۳۸۸:۴۷۴). در دوره چهارده ساله حکومت محمد شاه (۱۲۵۰م/۱۲۶۴ق) نیز اوضاع پیچیده‌تر شد. با روی کار آمدن ناصرالدین شاه (۱۲۶۴ق) تحولات در منطقه با رقابت دو قدرت بزرگ روس و انگلیس شکل تازه‌تری به خود گرفت. در این دوره تحرکات روس‌ها به دلیل ضعف عمومی آنان در برابر رقیب دیرینه (انگلیس) در ناحیه شرق دریای خزر افزایش یافت. آنان با آگاهی از ضعف قدرت مرکزی ایران و اختلافات پدید آمده بین خان‌نشین‌های رقیب فرصت را مغتنم شمردند تا شکست‌های پیشین برابر اقوام مهاجم را تلافی کنند (پیری، عسکرانی، ۱۳۸۹:۵۸). آن‌ها پس از شکست در جنگ کریمه تمرکز خود را بر نواحی آسیای مرکزی معطوف نمودند و توانستند در سال ۱۲۷۲ق/ ۱۸۵۵م سه خان‌نشین خیوه، بخارا و خوقند را به تسخیر درآورند. ترکمن‌های سواحل شرقی دریای خزر با توجه به اطلاعاتی که از توان نظامی روسیه تزاری دریافت کرده بودند، تلاش داشتند تا با افغان‌ها متحد شوند؛ اما افغان‌ها درگیر جنگ‌های داخلی خود بودند. آنان ناامیدانه از ناصرالدین‌شاه استمداد طلبیدند (کاظم-زاده، ۱۳۷۱:۴۷)، اما وی علی‌الظاهر درگیر جدال لفظی با دولت انگلیس بر سر بندر خرمشهر بود. از سویی دیگر شاه قاجار از شکست دایی خود امیر حمزه و تلفات سنگین سپاهیان ایران توسط ترکمن‌ها دل‌خوشی از آنان نداشت و تصمیم گرفت در برابر حمله روس سکوت اختیار کند (همان‌جا). ترکمن‌ها در دوره‌های گذشته هسته اصلی قبیله خود را درجایی به نام «قلعه» اسکان می‌دادند تا بتوانند با احداث باروهای بلند و دیوارهای ضخیم از حمله نیروهای متخاصم در امان باشند. نقش این قلعه‌ها در صیانت از خانواده ترکمن‌ها بسیار حائز اهمیت است (ر.ک. وامبری، ۱۳۷۰:۳۹۴).

یکی از مهم‌ترین قلاع ترکمن‌های طایفه تگه در منطقه گوک تپه آخال واقع بود. روس‌ها در سال ۱۲۹۰ق/ ۱۸۷۳م پس از موفقیت‌هایی که با تسخیر مناطق تاشکند، خیوه، خوقند، بخارا و قزل‌سو به دست آوردند، در همین سال از سوی مدافعان منطقه گوک تپه متحمل شکستی تلخ شدند. تلاش قوای روس برای تسخیر قلعه در سال ۱۲۹۵ق/ ۱۸۷۸م نیز مؤثر واقع نشد. سرانجام میخائیل اسکوبلف با طرح موضوع حمل و نقل به عنوان مشکل اصلی حضور روسیه، تلاش کرد تا خط آهن سواحل شرقی دریای خزر به طرف مناطق داخلی آسیای میانه احداث شود و از این طریق نیز لشکری مجهز برای سرکوبی ترکمن‌ها به آخال اعزام کرد (ریوکین، ۱۳۶۶:۲۵).

ترکمن‌ها در برابر خبرهایی مبنی بر حضور قدرتمند ارتش تزاری برای فتح گوک تپه به دو نظر رسیدند: عده‌ای قائل به ترک آنجا بودند، اما عده‌ای دیگر با تأکید بر وجوه وطن‌دوستی و صیانت از سرزمین پدری اصرار بر مقاومت داشتند. آنان با مشورت بزرگان قوم، راه دوم را برگزیدند. مقاومت جنگاوران ۲۰ روز طول کشید، اما روس‌ها طی سه مرحله توانستند، مقاومت مردمی که در قلعه‌ای چهل هکتاری به نام گوک تپه گرد هم آمده بودند، بشکنند و به بهانه دو شکست پیشین و مرگ عده‌ای از امرای ارتش و سربازان، قریب به پانزده هزار نفر از ترکمن‌های این منطقه را قتل‌عام نمایند (ر.ک. سایکس، ۱۳۸۰: ۲/۵۱۶).

قوجق در رمان «وقت جنگ...» دونوع مواجهه با شنیدن حمله قشون روسیه به گوک تپه را نشان می‌دهد. نخست گریز و دیگری حس وطن‌دوستی ترکمنان، راوی داستان حس وطن‌دوستی را در سامان قلعه باز می‌گوید: «یاش‌بخشی [خطاب به فرزند خوانده خود]: «آخ قلعه، قلعه، حسی که دارای اشتباه نیست. پسر! فرض کن قلعه زادگاهت، کشورته، کشوری در مقیاس خیلی کوچک آن وقت می‌فهمی حسی که داری کاملاً درسته. خون ما اینجا بسته شده، خاکش آدم را می‌کشد طرف خودش» (۳۶۸).

در رمان «وقت جنگ..» دلایل و پیش‌زمینه‌های تاریخی حضور روس‌ها در منطقه و سرانجام تحقق فاجعه قتل‌عام در مضامین زیر نشان داده شده است:

۲-۱-۱. آگاهی حکومت قاجار از هجوم روس‌ها

از دوره تیموریان در قرن نهم هجری تا زمان سلطنت فتحعلی شاه، بخارا، مرو، خوارزم و سایر نواحی ماوراءالنهر [همچنان] در دست بازماندگان ازبکان بودند. یورش ترکمنان در ۱۱۹۸ ه.ق به مرو و کشتار و به اسارت بردن مردم بی‌دفاع این ناحیه در تاریخ ثبت شده است. با روی کار آمدن قاجار و همراهی ترکمنان برای سلطنت آغامحمدخان قاجار (۱۲۱۰ق) اوضاع بدتر هم شد. اختلافات قاجار با ترکمن‌ها و ازبک‌ها غالباً بر سر غارتگری این دو طایفه و ناامن کردن منطقه بوده است، تا جایی که حسام‌السلطنه در سال ۱۲۷۴ق/۱۸۵۷م از سوی دربار مأمور فرو نشانیدن شورش ترکمن‌ها می‌شود (خورموجی، ۱۳۴۴: ۲۳۶). البته در دوره فتحعلی‌شاه علی‌رغم خصومت‌های میدانی و یورش‌های گاه و بیگاه ترکمن‌ها به کاروان‌های زیارتی و تجارتنی، همیشه سفرایی در دربار و خانان در رفت و آمد بودند (پاشینو، ۱۳۷۲: ۱۶).

در سال ۱۲۷۶ق/ ۱۸۵۹م همزمان با دوره ناصرالدین شاه (۱۲۶۴-۱۳۱۳ق) روس‌ها به بهانه مقابله با یورش ترکمانان و ازبک‌ها به قوای خود، همچنین با اطلاع از ضعف قدرت مرکزی به خان نشین‌های خوقند حمله می‌برند و قلاع مستحکم آنان را در سواحل سیحون به تصرف در می‌آورند (مهدوی، ۱۳۷۵: ۲۸۵). از سوی دیگر، ناصرالدین شاه برای پیشگیری از بهانه حضور روس‌ها می‌دانست که بدون مطیع گرداندن ترکمن‌ها نمی‌توانست در منطقه آرامش نسبی را پدید آورد (گلی، ۱۳۶۶: ۱۳۱). تلاش‌های ناصرالدین شاه برای انقیاد ترکمن‌ها مؤثر واقع نشد تا حدی که نفرت وی را برانگیخت و پس از شنیدن خبر «سقوط گوک تپه، برای اعلام تبریک و تهنیت، سفیری به روسیه می‌فرستد تا مراتب خوشحالی خود را از این اقدام به اطلاع امپراتور روس برساند (سارلی، ۱۳۷۳: ۳۱۸).

قوجق در رمان «وقت جنگ..» به آگاهی شاه قاجار از وضعیت پدید آمده برای ترکمن‌ها اشاره دارد. اسکوبلف، فرمانده قشون روسی به افسر پیشکار خود می‌گوید: «اگر نمی‌دانم بدان که شاه قاجار بدش نیامده به اینجا قشون کشیده‌ایم. بدش نیامده این ترکمن‌ها را گوشمالی حسابی بدهیم. حتی حاضره این بخش از کشور را همین طوری ببخشد به ما، اما ترکمنی نباشه تا موی دماغش بشه» (قوجق، ۱۳۹۴: ۲۴۸). علی‌رغم کینه و خصومتی که ناصرالدین شاه به اقوام ترکمن داشت، شواهد تاریخی نشان می‌دهد که «ترکمن‌های ایران در استقرار سلطنت قاجار در ایران مؤثر واقع شده بودند» (آیرونز، ۱۳۸۵: ۵۶). امین‌الدوله نیز در خاطرات سیاسی خود، بر ایرانی بودن ترکمن‌ها و حمایت آنان از حکومت قاجار تأکید می‌کند: «ترکمن‌ها رعیت خاص و خالص ایرانیانند، خدمات آنان به سلسله قاجار مسبوق است (۱۳۵۰: ۷۲).

۲-۱-۲. توسعه تمدن بهانه نفوذ

روس‌ها برای توجیه توسعه‌طلبی‌های خود بر آسیای مرکزی با ترغیب قبایل به ایجاد حکومت محلی مستقل و مقابله با حکومت مرکزی، ابتدا راه تجارت با قبایل معارض با دولت را پیش می‌گرفتند؛ پس از آن به بهانه ایجاد راه‌آهن و گسترش تکنولوژی و تمدن دایره فتوحات خود را گسترش دادند. در رمان «وقت جنگ»، روس‌ها دلیل حضور خود را این‌گونه بیان می‌کنند:

- [یاشولی‌بخشی] «قشون روس به چه منظوری آمده اینجا؟»

- راه آهن قراره احداث بشه! از قزل سو تا قزل آروات از شاه قدم تا افغانستان.

- چرا؟

- چون راه آهن و قطار با خودش تمدن و تجدد می آورد. اینجا هم که صحراست و صحرای بدون تمدن آدم‌ها را وحشی بار می آورد و چپاول و غارت...» (۲۳۷).

از اواخر قرن هجدهم میلادی تلاش قوای روس برای توسعه سرزمین‌ها با هدف رسیدن به آب‌های گرم سواحل خلیج فارس صورت می گرفت. در رمان «وقت جنگ..» «ماکسیم» افسر شاغل در پادگان قوای اشغالگر روس در منطقه گوک تپه است. وی به عنوان شاهد ماجرا، بیست و پنج سال پس از کشتار مردم در قلعه گوک تپه، خطاب به فرمانده جدید خود می گوید:

«من و شما سرباز تزاریم قربان! لازمه پیش غریبه‌ها بگوییم که آمده‌ایم تا متمدنشان کنیم؛ اما خودمان که می دانیم چه سیاستی پشت این توسعه طلبی‌ها خوابیده و چرا بعد از قفقاز آمدیم این سمت کاسپی (خزر) و اینجا را گرفتیم» (۲۶). روس‌های تزاری، توسعه را مشروط به غلبه و سیطره بر اقوام ترکمن منطقه می دانند. اسکوبلف خطاب به گراف (پیشکار فرمانده) می گوید:

«شاخه مهمی که ملتی را متمدن می کند، تکنولوژی است. تکنولوژی حاصل اندیشه است، مثلاً تکنولوژی ساخت سلاح نیاز به اندیشه و فکر دارد که این‌ها (ترکمن‌ها) فاقد آن هستند» (۲۶۶).

- «می گویند می خواهیم اینجا راه آهن بکشیم، طوری هم می گویند که انگار قبائل این صحرا را به اسم پتر کبیر زده‌اند و ما بی خبریم» (همان، ۲۸۶). شواهد تاریخی نشان می دهد که پس از فتح گوک تپه، امپراتوری روسیه در سال ۱۲۹۸ ق/ ۱۸۸۱ م طی فرمانی ناحیه آخال را ضمیمه روسیه اعلام می کنند.

۲-۱-۳. عمق فاجعه

براساس منابع و گزارش‌های فرماندهان روسی در جنگ گوک تپه از بین حدود سی هزار نفر افراد ساکن در قلعه، پانزده هزار زن و کودک و جنگاور کشته شدند. ماکسیم-اویچ (افسر میان سال روسی) به یاشولی بخشی (راوی رمان) گفته بود: «بعد از جنگ حساب و کتاب کردیم و گزارش فرستادیم به مرکز که توی همان جنگ غیر از توپ‌ها جمعاً یک میلیون و یک صد و چهل هزار فشنگ هم شلیک کرده‌ایم» (۷۳). «کسانی که

در قلعه بودند چیزی حدود سی هزار نفر بود «هوم ... سی و هشت فشنگ برای هر نفر» (همانجا).

۲-۱-۴. بی‌کفایتی قاجار برای پیشگیری از فاجعه انسانی

ناصرالدین شاه زمانی تاج‌وتخت را از پدرش محمدشاه تحویل گرفت که بیش از شانزده سال نداشت. از سوی دیگر به دلیل بی‌کفایتی محمدشاه امرای ایالت‌ها سر به شورش نهادند و اعضای دولت با نفاق، برگسترش اعتراض‌ها دامن می‌زدند. قیام مردم بروجرد علیه جمشید خان ماکویی و نهضت مردم کرمانشاه بر محب‌علی‌خان و از همه مهم‌تر فتنه حسن‌خان در خراسان زمینه را برای انشقاق کشور پدید آورده بود. مهدعلیا مادر ناصرالدین‌شاه مدتی کفالت وی را بر عهده داشت و تا آن زمان عملاً امور کشور توسط شاهزاده علیقلی میرزا (اعتمادالسلطنه) و میرزا آقاخان وزیر کشور اداره می‌شد. میرزا تقی‌خان فراهانی که در زمان محمدشاه ملقب به وزیر نظام بود، به مصدر وزارت حکومت رسید. در مدت سه سال و دو ماه صدارت امیرکبیر اندکی از امور مملکت سامان یافته بود، اما شاه جوان در ۲۵ محرم ۱۲۶۸ ه.ق با سعایت برخی درباریان مبنی بر تلاش برای سلطنت ابتدا او را عزل نمود و به تبعید در کاشان فرستاد و سرانجام یک ماه و بیست روز بعد او را به قتل رساند. در مدت صدارت امیرکبیر، بسیاری از فتنه‌های محلی سرکوب شد و یا با عهد و پیمان ختم به خیر شد (ر.ک. مدنی، ۱۳۸۰: ۳۳۰). با مرگ امیرکبیر زخم‌های تازه نمایان شد و هیأت حاکمه در پی صدارت میرزا آقاخان صدراعظم وعده استقلال به خانات ایران می‌دادند. در این میان، خان خیوه با همراهی ترکمن‌ها به حدود خراسان هجوم آورد و تا حدود استرآباد پیشرفت نمود (همان، ۵۸).

بی‌توجهی حکومت قاجار از سرنوشت مبهم منطقه خوارزم و ترکمنستان موجی از نگرانی را بین مردم، روشنفکران و حتی درباریان پدید آورد^۱. دربار برای آن همه دست

۱. نمونه این اعتراض‌ها انتقاداتی است که نویسندگان و کاتبان مخصوص شاه بیان دانستند و عمل شاه را خیانت برشمردند. حکیم‌المالک، ابیاتی را در روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه با این مضمون سروده است:

عشق ملیجک بس است و آل‌ملیجک
عشق ملیجک بس است و آل‌ملیجک

شاه اگر عاشقی کند سر پیری
مرو و سرخس اربه باد رفت، عجیب نیست

درازی روسیه در قفقاز به صدور اطلاعیه‌های محکومیت و اخطار بسنده کردند، اما در عرصه میدانی دولت روسیه تزاری بدون توجه به اخطارهای حکومت مرکزی به توسعه مرزهای خود اقدام کرد. راوی در رمان با اشاره به بی‌کفایتی قاجار از قول یاشولی بخشی می‌گوید: «سمرقند و تاشکند را هم روس‌ها گرفتند. دولت قاجار هم که معلوم نیست چه غلطی می‌کند، با گوسفند علف می‌خورد با قصاب دمبه گوسفند. بعد از شکستی که در جنگ با همین‌ها توی آذربایجان و قفقاز خورد، ماست‌ها را کیسه کرد حالا روس هم تره برای دولت قاجار خرد نمی‌کند» (۱۱۶).

۲-۱-۵. سيطرة سیاسی

شیوه زندگی قبایل ترکمن پیش از ایجاد حکومت مستقل مرکزی در ایران نشان می‌دهد که آنان در آزادی نسبی به سر می‌بردند و عملاً در سیطره نظام حاکم نبودند؛ بلکه بر اساس سنت سیاسی و قبیله‌ای خود زندگی می‌کردند. «فوجق» این آزادی را به رفتار «ڈرناها» شبیه کرده است، آزادی، کوچ و بهره‌مندی از طبیعت و رهایی از سیطره حکومت‌ها و در نهایت آرامش در برکه‌ای که از آن اوست:

آب آلوده نه آلوده بماند تا دیر برسد وقت که آلودگی از دهر رود
هیچ درنا اگر آلودگی از بین رود به تمنای زمین‌های غریبه نپرد
بکند باز همی پر خودش هم درنا و بر این برکه بیارامد و خوابش ببرد

(۱۱۷)

پس از تشکیل حکومت مستقل مرکزی، این شیوه زندگی از نظر حکومت مرکزی ایران مورد پذیرش نبود، بنابراین تلاش داشتند تا ترکمن‌ها را تحت فشار قرار دهند و آن‌ها را در سیطره خود درآوردند. این مهم در دوره قاجار به اوج خود رسید. در این دوره دولت قاجار حاجی میرزا رضی‌خان معظم‌الملک را مخفیانه به مرو می‌فرستند تا بر اساس قراردادی آن‌ها را در انقیاد دولت در آورد، اما از آنجا که دربار قاجار از جاسوس خالی نبود، موضوع به اطلاع روسیه تزاری می‌رسد و مانع از به نتیجه رسیدن اهداف دولت ایران شدند (ر.ک. هوشنگ مهدوی، ۱۳۷۵: ۲۸۵). ترکمن‌ها از این مسأله آگاه بودند، زیرا پیش از این بارها دولت تزاری قصد تسخیر نواحی ترکمن‌نشین را

داشتند، سیطره آنان بر قفقاز نیز برآگاهی سران ترکمن از نیت روسیه تزاری افزوده بود. مسأله حرکت قوای روسیه برای تسخیر گوک‌تپه در رمان «وقت جنگ...» طی گفت-وگویی رئیس قبیله «باتیرخان» انعکاس یافته است:

- «فکر کرده‌اند می‌توانند اینجا را مثل قفقاز و جاهای دیگر بگیرند و بیندازند تو قباله کشورشان!... مگر اینکه از روی نعلش ماها بگذرند» (۱۱۷).

روس‌ها با فتح قلعه گوک‌تپه دولت قاجاریه را مجبور کردند تا با پیمان آخال در ۱۲۹۹ق / دسامبر ۱۸۸۲م تصرف خانات ترکستان و ماوراءالنهر را در مرحله دوم توسعه ارضی خود قرار دهند (پیری، عسکری، ۱۳۸۹: ۷۰).



روس‌ها پس از سیطره نظامی، این مناطق را به دو ناحیه سیاسی تقسیم کردند. یک منطقه مستقیماً به دست روسیه افتاد و منطقه دیگر که شامل امیرنشین نیمه خودمختار خیوه و بخارا باشد، به‌طور غیرمستقیم اداره می‌گردید (لنوزسکی، ۱۳۵۶: ۲۵۸؛ سارلی، ۱۳۷۳: ۳۱۹). روس‌ها علی‌رغم تضاد دینی و عقیدتی جوانان ترکمن را مجبور به خدمت در ارتش تزاری روس می‌کردند. یاشولی بخشی (راوی رمان) در آخرین بخش از روایت جنگ گوک‌تپه با حسرت، سیطره نظامی روس‌ها را در فقدان شیرمردان و شیر زنان گوک‌تپه برمی‌شمارد: «آخ اگر همان‌ها زنده می‌ماندند، مگر روس‌ها می‌توانستند به خانه بیایند و بگویند به نوه باتیرخان که بیا سرباز بشو؟ مگر می‌توانستند به خانه‌ام بیایند و دعوت کنند که در جشن‌شان دوتار بزنم؟ مگر می‌توانستند سر سفره‌ام بطری عرقشان را باز کنند؟» (۴۲۴).

۲-۲. مضامین اجتماعی و فرهنگی

۱-۲-۲. هراس غاصبان

نیروهای روس در پی تسخیر بلاد اسلامی در قفقاز و آسیای مرکزی با مسائل و مشکلات اجتماعی فراوانی مواجه شدند. انعکاس مسائل عمده اجتماعی در رمان «وقت جنگ» طی پریشانی‌ها، عذاب وجدان و تفاوت‌های فرهنگی نشان داده شده است: ماکسیم اویچ افسر میان سال روس که بیست و پنج سال در میان مردم گوک تپه زیسته است، این تفاوت‌های اجتماعی و فرهنگی را به خوبی می‌شناسد. زخم کشتار مردم بی‌دفاع گوک تپه در خاطر مردم این نواحی نمایان است. تیموفی فرمانده جدید پادگان با درک تفاوت‌ها نگران واکنش مردم به کشتار و غضب زمین‌های اجدادیشان است؛ لذا طبیعت و ترکمن‌ها را درصدد انتقام خون‌های به ناحق ریخته می‌بیند:

«زیر این جور صخره‌ها مار و عقرب هم می‌تونه باشه قربان، یا چه می‌دانم یک ترکمن نجیب یا از بدشانسی ما یک ترکمن نانجیب» (۱۶).

ماکسیم نیز از کابوس‌های شبانه کشتار مردم بی‌دفاع گوک تپه در رنج است: «ماکسیم از بعد آن [قتل عام گوک تپه] نمی‌گوید، از کابوس‌های شبانه، از سایه‌هایی که مدام دیده بودند، از ناله‌هایی که مدام شنیده بودند» (۱۷).

۲-۲-۲. مکافات عمل

به باور مردم ترکمن مسیبان ظلم در این دنیا نیز مجازات می‌شوند. مرگ خاموش و مبهم اسکوبلف فرمانده کشتار گوک تپه یکی از آن‌هاست: «هیچ سربازی از مرگ اسکوبلف مطلع نشد که چند ماه بعد در همان مرکز رخ داده بود. فقط افسران روس بودند که خبر بسیار محرمانه را خواندند و فهمیدند مرگ اسکوبلف در یک غروب تنگ و دلگیر کاملاً غیرمنتظره و عجیب رخ داده است» (۱۹۳).

۳-۲-۲. تکیه بر سنت

با سیطره روسیه تزاری بر نواحی ترکمن‌نشین نوعی جدال قوم مدارانه (ethno centrism) استعلایی میان دولت و اقوام به‌جا مانده پدید آمد. دولت تزاری تلاش داشت تا با گسترش فرهنگ اسلاوی، فرهنگ ترکمن را در نسبت با مناطق تحت سیطره خود غیر خودی تلقی نماید. برآیند این رفتار نژادکشی فرهنگی (Cultural genociale) بود که با هدف غیر دانستن فرهنگ مقصد صورت می‌گرفت (ر.ک. عضدانلو، ۱۳۸۸: ۶۱۹). قوجق با ترسیم گفتگوی دو افسر روس با یکدیگر نشان می‌-

دهد که چگونه روس‌های فاتح، مردم ترکمن را مجبور به سکوت کردند، به گونه‌ای که آیین‌ها و رسوم خود را نیز برگزار نکردند. وی از قول ماکسیم‌اویچ می‌نویسد:

- «دیگه جنگی در کار نیست از وقتی گوک‌تپه سقوط کرد، همه چی تمام شد. بعد از اون، ترکمن‌ها جیک‌شان هم در نیامد، به قول معروف ماست‌ها را کیسه کردند» (۹).

بر هم‌کنشی عناصر عامیانه و فرهنگ توده در این رمان، انباشتی از سنت‌های رایج شامل ازدواج، مرگ، دیدار، جشن و مسابقه است. ماکسیم‌اویچ در برابر پرسش جناب تیموفی درباره ازدواج او که «آیا زن ترکمن گرفته‌ای؟ می‌گوید: نه قربان! به ما روس‌ها زن نمی‌دهند. زن که نمی‌دهند بماند، حتی نگاه کردن بیش از اندازه به زن‌هاشان خطرناکه خیلی... دیدید که تا ما را دیدند چه جوری شدند، همان‌ها زن ترکمن بودند» (۲۲).

۴-۲-۲. پوشش

پوشش سنتی مردان و زنان ترکمن از جمله اصول پایبندی آنان به فرهنگ اجتماعی قبیله است. زنان ترکمن لباسی رنگی با کلاه بزرگ روی سرشان و چارق‌دی بر سر آن دارند.

«دخترهاشان از آن کلاه‌ها بر سر ندارند. هر کی که اون رو داره یعنی زنه و دختر نیست. [داشتن کلاه] نشانه اینه که صاحب داره. شوهر داره اینجایی‌ها بهش می‌گن توپی» (۲۳).

۵-۲-۲. جنگاوری

روس‌ها به خوبی با روحیه جنگاوری ترکمن‌ها آشنا هستند. اسکولف فرمانده قشون روسی در کشتار گوک‌تپه در خاطرات خود می‌نویسد: «ترکمن‌های طایفه تگه‌ها در حملات شبانه‌شان با تهور و شجاعت خود را به سنگ‌های من می‌انداختند و آنجا بود که بر تیراندازهای قشون که در چاله‌ها سنگر گرفته بودند، تسلط پیدا می‌کردند» (موزر، ۱۸۸۶: ۳۱۴؛ سارلی، ۱۳۷۳: ۳۰۷). این شهامت را ماکسیم‌اویچ از شخصیت‌های رمان «وقت جنگ...» به افسر مافوقش می‌گوید: «نگاهشان که می‌کنی اول فکر می‌کنی کاری از دست‌شان بر نمی‌آید، دماغشان را که بگیری جانشان در می‌آید؛ تنبل و تن‌پرور! اما وقتش که برسه باد هم به گردپایشان نمی‌رسه، حتی پیرمردها و پیرزن‌هاشان هم همین جور اند، دیدم که می‌گم این‌ها را» (۲۱). جنگاوری ترکمن حاصل حضور آنان در بیابان‌های خشک و داغ ماوراءالنهر است. قبایل ترکمن در گذشته تاریخی خود با

همراهی قبایل ازبک و افغان بارها به خراسان حمله‌ور شدند و آن‌جا را غارت کردند (مستوفی، ۱۳۸۸: ۹۳).

در نبرد گوک‌تپه علاوه بر جنگاوری و دلیری مردان، تصویری از دلاوری زنان نیز ارائه می‌شود:

«زن‌هاشان هم دست کمی از مردهاشان ندارند، تو جنگ گوک‌تپه همین زنهایی که دیدی قیرکلیق (قیچی) به دست ریختند بیرون و خیلی از ماها را کشتند (۲۷). یا: «زن چارقدهش را چنان به صورت و سرش پیچانده بود که فقط چشم‌هایش پیدا بودند و نمی‌شد شناخت. با یکدست قنطاق نوزادش را گرفته بود و با دست دیگرش یک تبر (۳۹۰).

۲-۲-۶. موسیقی

اهالی ترکمن ارتباط عمیقی با شعر و موسیقی دارند. از مراسم عزا و عروسی آن‌ها آوای سازهای قوپوز و دوتار شنیده می‌شود. نوازندگان «بخشی» نام دارند. این نوازندگان در هنگام نواختن چنان از خود بی‌خود می‌شوند که به آن‌ها «دلی» می‌گویند، دیوانه‌ای که روایت‌های تلخ و شیرین را با نوای تار به شنوندگان تقدیم می‌کند. مقام‌ها و گوشه‌های موسیقی ترکمن از طبیعت و رویدادهای اجتماعی گرفته شده است، چنانکه مقام گوک-تپه یکی از حزن‌انگیزترین مقام‌های موسیقی این نواحی است. آن‌ها تار را به مثابه انسان می‌دانند که اسرار مگو را به اهل خویش می‌رساند: «تو این جور مواقع دوتارش عینهو یه آدم زبان باز می‌کنه حرف می‌زنه، جیغ می‌کشه، ناله می‌کنه، می‌خنده» (۳۱).

رمان «وقت جنگ...» نیز روایتی است که دوتار یاشولی بخشی برای مخاطبان بازگو می‌کند، زیرا ترکمنان زبان دوتار را زبان صلح و دوستی می‌دانند: به نظرم اگر کسی دو تار را می‌فهمید دعوا و جنگی در نمی‌گرفت (۲۹۲).

و یا: یاشولی بخشی به دوتاری زل زده که یکهوبه حرف آمده و یکهو از حرف افتاده بود (۴۰۸).

۲-۲-۷. عروسی و عزا آیین همبستگی

آیین‌های عروسی در میان ترکمن‌ها از ویژگی‌های خاصی برخوردار است. در واقع «نبض روستا به خاطر خانه‌ای که جشن می‌گیرد، تند و پرشتاب می‌زند» (۳۳).

روایت نخست رمان «وقت جنگ...» گفت‌وگوی دو افسر روس برای حضور در مراسم عروسی را به تصویر کشیده است. حضور پرشمار مردم از قبایل مختلف در جشن عروسی و عزا به مثابه آیینی از همبستگی و همدلی مردم ترکمن است. «اجدادمان بی‌راه نگفته‌اند که جشن برای ایل، عزا هم برای ایل...» (۳۲) «این جشن و عزاست که همه رو جمع می‌کنه دورهم» (۳۴)

۲-۲-۸. طبقات اجتماعی ترکمن

ترکمن‌ها از قرن چهارم هجری وارد ایران شده‌اند. برخی افراد آنان را از ترکان غز/اُغز می‌دانند که به دلیل توسعه‌طلبی چینی‌ها مجبور به کوچ به نواحی مرو خوارزم تا ساحل دریای خزر شدند (رشیدالدین، ۱۳۸۸: ۲۱؛ متولی، ۱۳۸۹: ۱۴۰). ترکمن‌ها تا پیش از شکل‌گیری دولت به معنای امروزی آن، از نوعی ویژگی ملوک الطوائفی برخوردار بوده‌اند (رضایی، ۱۳۸۶: ۱۲۱). در چنین قبایلی، قدرت بر اساس سلسله مراتب تعیین می‌گردد. رهبر و خان در قبیله حکم انسجام دهنده دارد: «طناب است که تک‌تک خوشه‌ها را به هم می‌فشارد و می‌کند یک دسته همان طناب، نه از جنس نخ از جنس ساقه همان خوشه‌هاست که می‌تابند و طنابش می‌کنند، باتیرخان به راستی برای همه حکم همان طناب را داشت (۱۴۵).

پایبندی شخصیت‌های رمان به سلسله‌مراتب سیاسی، اجتماعی و مذهبی بیان‌گر نظامی چند بخشی در اقوام مختلف ترکمن است. اغلب قبایل ترکمن دارای یک دستگاه اداری متمرکز هستند که به کمک آن می‌توانند، حداقل تا اندازه‌ای وفاداری گروهی را تکمیل کرده و یا حتی اعتلا بخشند (آیرونز، ۱۳۸۵: ۱۴۷). در طول دوران قاجار، ترکمن‌ها چنین نهادی که نزدیک با دستگاه رئیسان بود، داشتند. این نهاد با جمع‌آوری خراج به‌وسیله هر یک از طوایف مختلف ترکمن از روستاهای یکجانشین ولایت در دشت گرگان مرتبط بود. این نهاد ساقلو (thaqlau) یا حراست‌کننده نامیده می‌شد (همان، ۱۴۷).

بازتاب سلسله‌مراتب حاکمیتی در رمان «وقت جنگ...» با روایتی از حماسه مشهور ترکمن به نام «حماسه کوراوغلی» گره خورده است. با نشانه‌هایی که از حضور «قیرات» اسب معروف کوراوغلی به عنوان اسبی اسطوره‌ای، دارای آگاهی‌های نمادین دیده می‌شود تا شیوه حاکمیت رئیس قبیله بر افراد گروه، بیانگر سلسله مراتب وفادارانه قبیله است. در حماسه کوراوغلی، چهل نفر فدایی و یاران کوراوغلی هستند که تا پای

جان برای حفظ آرمان‌های این قهرمان همراه او هستند، «کوراوغلی هیچ امتیازی بر دیگران نداشته، چون به صداقت او ایمان دارند، او را به سرپرستی بر می‌گزینند» (گلی، ۱۳۶۶: ۲۶۲).

۳. نتیجه‌گیری

رمان «وقت جنگ تفنگت را کوک کن» نوشته یوسف قوجق یکی از رمان‌های اقلیمی، تاریخی است که به انعکاس واقعه تاریخی سقوط گوک‌تپه و تسلط روسیه تزاری بر بخشی از سرزمین ایران پرداخته است. در این رمان بسیاری از تضادهای تاریخی و طبقاتی در نگرش احساسی و مرثیه‌وار نویسنده در قبال ماهیت ساختاری واقعیت پنهان می‌ماند و رمان صرفاً واجد داده‌هایی عام و متعارف درباره فرهنگ و سنن مردم ترکمن می‌شود. از سویی دیگر، نویسنده تلاش کرده با تمهید قابلیت‌های اجتماعی قوم ترکمن آن را به مسأله‌ای تاریخی و سیاسی‌گره بزند. این گره‌خوردگی وجهی خواندنی به روایتی تاریخی بخشیده است. به گونه‌ای که خواننده غیر متخصص در حوزه تاریخ نیز می‌تواند از رویدادهای پدید آمده اطلاع کسب نماید. نویسنده با تمرکز بر عناصر پیوند دهنده سنت، یادمان هویت ملی و قومی را فراتر از مرزها برمی‌شمارد، به گونه‌ای که از مجموع این عناصر می‌توان به عنوان عاملی وحدت‌بخش بین ملل هم زبان دو سوی مرزهای سیاسی در زمان حال نیز نام برد. با مشخص شدن مضامین رمان در دو بخش تاریخی و اجتماعی، فرهنگی مشخص می‌شود که چگونه نویسنده با رویکرد رئالیسم اجتماعی، انتقادی توانسته کیفیت عمل داستانی را در ساختی منسجم و مبتنی بر واقعیت پیرامون شکل دهد. این رمان را می‌توان نمونه‌ای از رمان‌های اقلیمی تاریخی با رویکرد رئالیستی دانست که نویسنده توانسته با پژوهشی تاریخی و با تلفیق مناسب عناصر فرهنگی و تاریخی روایتی تازه از حادثه‌ای مغفول در دوره قاجار را به خواننده ارائه دهد.

فهرست منابع و مأخذ

- آبرونز، ویلیام (۱۳۸۵). *ترکمن‌های یموت*، مترجم محمدمبین کنعانی، تهران: پژوهشکده مردم‌شناسی، نشر افکار.

- امین‌الدوله (۱۳۵۰). *خاطرات سیاسی امین‌الدوله*، به کوشش فرمانفرمایان، تهران، دانشگاه تهران.
- پاشینو، پیترو ایوانوویچ (۱۳۷۲). *سفرنامه ترکستان*، ترجمه مادروس دواود خانف، به کوشش جمشید کیانفر، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- پیری، محمد، عسکرانی، محمدرضا (۱۳۹۴). «حضور فزاینده روسیه در شرق دریای خزر و چالش با منافع راهبری انگلیس تا پایان عصر ناصری»، *فصلنامه پژوهش‌های تاریخی*، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، سال پنجاه و یکم، سال هفتم، شماره سوم (پیاپی ۷۲)، صص: ۵۷-۷۶.
- تالیس، ریموند (۱۳۷۵). «آلتوسر و استدلال‌های ایدئولوژیک بر ضد واقع‌گرایی...»، ترجمه حسین علی نوذری، *مجله ارغنون*، بهار و تابستان، صص: ۲۶۳-۲۸۴.
- ترزیو، پیوکارلو (۱۳۶۳). *رقابت‌های روس و انگلیس در ایران و افغانستان*، ترجمه عباس آذرین، تهران: علمی و فرهنگی.
- خورموجی، محمدجعفر (۱۳۴۴). *تاریخ قاجار: حقایق الاخبار ناصری*، به کوشش حسین خدیوچم، تهران: زوآر.
- رحمتی، محسن (۱۳۹۰). «روابط سیاسی خان نشین خیوه با دولت مرکزی ایران در عهد قاجار»، *فصلنامه تاریخ روابط خارجی*، سال سیزدهم، شماره ۴۹، صص: ۸۵-۱۰۹.
- _____ (۱۳۸۳). «نقد و بررسی سفرنامه حمزه میرزا»، *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، بهمن و اسفند، صص: ۸۰-۸۳.
- رشیدالدین، فصل الله همدانی (۱۳۸۸). *جامع التواریخ*، به کوشش بهمن کریمی، تهران: اقبال.
- رضایی، احمد و دیگران (۱۳۸۶). «گرایش به هویت ملی و قومی در ترکمن‌های ایران»، *فصلنامه مطالعات ملی*، شماره ۳۲، سال هشتم، شماره ۴، صص: ۱۱۹-۱۴۰.
- ریوکین، مایکل (۱۳۶۶). *حکومت و مسأله مسلمانان آسیای مرکزی شوروی*، ترجمه محمود رمضان‌زاده، مشهد: پژوهش‌های اسلامی.
- سارلی، اراز محمد (۱۳۶۴). *ترکستان در تاریخ*، تهران: امیرکبیر.

- _____ (۱۳۷۳). تاریخ ترکمنستان، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- سایکس، سرپرسی (۱۳۸۰). تاریخ ایران، ۲ ج، سید محمدتقی فخر داعی گیلانی، تهران: افسون.
- سبحانی، توفیق.ه (۱۳۸۸). تاریخ ادبیات ایران، تهران: زوار.
- سرفرازی، عباس (۱۳۸۹). «روابط قاجارها و ترکمن‌ها از آغاز تا پایان ناصری»، پژوهشنامه انجمن ایرانی تاریخ، سال اول، شماره سوم، صص: ۱۱۷-۱۳۶.
- سیاح، فاطمه (۱۳۳۷). «موضوع رمانتیسیم و رئالیسم از حیث سبک نگارش در ادبیات اروپایی»، مجله مهر، سال سوم، شماره چهارم، صص: ۳۸۹-۳۹۶.
- سیدی، مهدی (۱۳۷۱). نیمی از ترکستان، نیمی ز فرغانه، مشهد: کتابستان.
- شیرازی، ابوالحسن (۱۳۷۰). ملّیت‌های آسیای میانه، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- عابدینی، حسن (۱۳۶۸). صد سال داستان نویسی در ایران، تهران: نشر تندر.
- عضدانلو، حمید (۱۳۸۸). آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی، تهران: نشر نی.
- قوجق، یوسف (۱۳۹۴). وقت جنگ دوتارت را کوک کن، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- کاظم زاده، فیروز (۱۳۷۱). روس و انگلیس در ایران ۱۸۴۶-۱۹۱۴، ترجمه منوچهر امیری، تهران: نشر آموزش انقلاب اسلامی.
- کاظم‌زاده، فیروز (۱۳۷۱). روس و انگلیس در ایران ۱۸۶۴ - ۱۹۱۴، ترجمه منوچهر امیری، تهران: آموزش انقلاب اسلامی.
- کرزن، جورج ناتانیل (۱۳۴۹). ایران و قضیه ایران، ج ۲، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- گلی، امین (۱۳۶۶). سیری در تاریخ سیاسی اجتماعی ترکمن‌ها، تهران: نشر علم.
- متولی، عبدالله (۱۳۸۹). «ساختار دفاعی ترکمن‌ها در برابر تهاجم روس‌ها در قرن سیزدهم هجری»، فصلنامه علمی- پژوهشی تاریخ، سال دوم، شماره هفتم، صص: ۱۳۹-۱۵۰.
- مدنی، سید جلال‌الدین (۱۳۸۰). تاریخ سیاسی معاصر ایران، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

- مستوفی، عبدالله (۱۳۸۸). شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی اداری دوره قاجاریه، تهران: انتشارات زوار.
- مقدادی، بهرام (۱۳۹۳). دانشنامه نقد ادبی از افلاطون تا به امروز، تهران: نشر چشمه.
- موسوی‌صفت، سیده هاجر (۱۳۹۲). «روابط ایلات ترکمن با حکومت مرکزی قاجار از آغاز تا عصر ناصرالدین شاه (۱۲۱۰-۱۲۶۴ه.ق)»، استاد راهنما: محسن رحمتی، دانشگاه لرستان.
- وامبری، آرمینیوس (۱۳۷۰). سیاحت درویش دروغین در خانات آسیای میانه، ترجمه فتحعلی خواجه نوریانف، تهران: علمی و فرهنگی.
- هاپکرک، پیتر (۱۳۷۹). بازی بزرگ، ترجمه رضا کامشاد، تهران: نیلوفر.
- هدایت، مهدی‌قلی (۱۳۶۳). گزارش ایران - بخش گزارش دوره قاجار و مشروطیت از جلد سوم و چهارم، به اهتمام محمدعلی صوتی، تهران: نشر نقره.
- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۷۵). تاریخ روابط خارجی ایران، تهران: امیرکبیر.

Reflection of Historical and Social Themes in the Novel *Waghte Jang Dotarat ra Kouk Kon* (Tune Your Lams at Wartime)

Mahmoud Ranjbar; * *Mahyar Hajarein* **

Abstract

The novel *Waghte Jang Dotarat ra Kouk Kon* (*Tune Your Lams at Wartime*) written by Yousef Ghojagh (1394 AD) is a geographical and historical novel that recounts the expansionism of Tsarist Russia in the eastern deserts of the Caspian Sea in a literary narrative. This novel is the first literary work that, taking a social realism approach, expresses the historical, political, and social facts of the genocide known as Geok Tepe. In this descriptive-interpretive research, using content analysis, the reflection of this historical event was studied in the aforementioned literary work. The point of departure for the research was the following two questions. Firstly, whether the author has been able to reflect the historical event avoiding mere emotions or not? Secondly, to what extent are the historical references of this novel consistent with historical documents? The analysis reveals that the author by accurately reflecting the causes of the attacks of the Tsarist Russian troops in three battles with the Turkmen people in the years 1873, 1878, and 1881, has created a literary narrative conforming to the historical documents of the event of Geok Tepe and the death of nearly fifteen thousand people, amid the silence of the Qajar government, and finally the signing of the Treaty of Akhal whereby Iran, in favor of Tsarist Russia, ceased claim to a part of its territory.

Keywords: Qajar, Turkmen, Tsarist Russia, historical novel, *Tune Your Lams at Wartime*, Ghojagh

* Corresponding author: Assistant Professor of University of Guilan; Email: mamranjbar@gmail.com

** Assistant Professor; Email: mahyar_hajarein@yahoo.com

[Received: May 20, 2018; Accepted: September 12, 2018]